هو العزیز

مستند بلبلان ز نغمهٴ یا هوی او

هم جان عاشقان ز جرعهٴ یا هوی او

جان بجانان میرسد با وجد و حالت در دمی

 گر بگوش او رسد یک صیحۀ یا هوی او

جان عاشق بر پرد تا سدرۀ اقصای عشق

 گر مدد‌کارش بود یکنغمهٴ یا هوی او

مست گردد عالم هستی چو عاشق از جمال

 گر بدور افتد ز ساقی بادهٴ یا هوی او

موسی جان منصعق در طور معنی اوفتد

 گر بر افروزد بسینا جذوۀ یا هوی او

طور دل گردد منیر و جان برقص آید همی

 گر درافتد در جهان یک غنّهٴ یا هوی او

محو گردد رنگ غیریّت ز صفحهٴ روزگار

 گر نسیمی بر وزد از جعدۀ یا هوی او

از قیامش تو قیامت بین میان عاشقان

 هم شنو آواز صور از نفخهٴ یا هوی او

جان عاشق بر پرد تا عرش وز آنهم بگذرد

 چون شود مجذوب عشق از جذبۀ یا هوی او

دست بردارد ز جان جانان بجهد

 گر فتد در ملک هستی جلوۀ یا هوی او

باد باقی بر وزد از ملک فانی اینزمان

 چون وزیده بوی عشق از نافۀ یا هوی او

حوریان در غرفۀ عزّت بوجد آیند اگر

 بر رود بر گوششان یک رنّۀ یا هوی او

طرحی از نو بفکند اندر جهان آب و گل

 گر طلوع آید ز مشرق وجههٴ‌ یا هوی او

عالم امکان بسوزد هم خیام عزّ قدس

 گر بر‌ آید بر سما یک نالۀ یا هوی او

گوش عالم پاک گردد زانچه بشنید از جهان

 گر در آید یکدمی در حلقۀ یا هوی او

نیست گردد هست و همرنگ عدم گردد قدم

 گر بر آید غیبها از پردۀ یا هوی او

محو مطلق گردد آنکش آرزوئی در دلست

 گر به‌بیند یکنظر آنشعلۀ یا هوی او

کی توانستی مسیح از گنبد اعلی گذشت

 گر نبودی رهبرش یک نعرۀ یا هوی او

کی تواند غیر او در ملک هستی پا نهاد

 زانکه باشد بس غیور آنشحنۀ یا هوی او

رنگ هستی را نه‌بیند چشم امکان ای پسر

 گر رود بر هم دمی آندیدۀ یا هوی او

تشنگان بر سلسبیل قدس ربّانی زنید

 که شده جاری همی آنچشمۀ یا هوی او

درویش زین بیش مزن تار معانی در جهان

 که شده یا هوی او آشفتۀ یا هوی او

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ مه ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۵ بعد از ظهر